

## بررسی ماهیت ازدواج سفید در حقوق ایران و فقه

زهرا عقلمندی<sup>۱</sup>

یاسر اسماعیل پور<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

### چکیده

خانواده مهمترین نهاد موثر بر هویت و سلامت جسمی افراد جامعه است. این پژوهش با هدف تحلیل بایدها، نبایدها و ابعاد فقهی، حقوقی ازدواج سفید و ارائه راهکار جایگزین ازدواج دائم و موقت پیامدهای آنها را تبیین می‌کند. هم-خانگی بدون ازدواج پدیده ناهنجار، غیرقانونی، فاقد مشروعیت و ضد فرهنگ اسلامی ایرانی است که به عنوان ازدواج سفید بین افراد جامعه رشد یافته است. ازدواج موقت در ابتدا باعث ایجاد ذهنیت منفی مخصوصا در ذهن زنان جامعه گردیده اما اگر علل، شرایط و فواید واقعی آن بررسی قرار گردد، متوجه می‌شویم که این ازدواج و فلسفه وجودی آن برای جامعه اسلامی امری حیاتی است و مختص کسانی است که شرایط قبول مسئولیت ازدواج دائم را ندارند ولی نیازهای جسمی و جنسی دارند. این تحقیق، پژوهشی توصیفی تحلیلی بوده که به روش کتابخانه‌ای تلاش نموده ازدواج سفید و ازدواج موقت را از هم تفکیک کرده و مشروعیت دینی، حقوقی و اجتماعی آنها را با وجود گسترش، در کشور ما مطرح کند و زیانهای ازدواج سفید را برای فرد و خانواده مشخص کرده و لزوم و فواید ازدواج دائم و موقت را بعنوان راه حل جایگزین در جامعه امروزی نشان دهد.

### واژگان کلیدی

ازدواج سفید، نکاح، حقوق، فقه

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران. [aghlmandizahra@gmail.com](mailto:aghlmandizahra@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار رشته فقه و حقوق، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، ایران. [Yaser1335@yahoo.com](mailto:Yaser1335@yahoo.com)

## ۱- مقدمه

نهاد خانواده متناسب با سرشت انسانی و پاسخی به نیازهای عاطفی و جسمانی انسان است. قدمت و پیدایش آن با پیدای بشر مؤید فطری بودن آن می باشد. خانواده به منزله مهم ترین واحد تشکیل دهنده جامعه همواره سهم مهمی در گفتمان فکری و اجتماعی داشته است. تمام ادیان الهی و غیرالهی درباره خانواده احکام و تعالیم مشخصی دارند همچنین یکی از ارکان اسطوره های تاریخی خویشاوندی خانواده است. در سال های اخیر ورود مدرنیته به ایران علاوه بر تأثیرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بر جامعه، ساختار و روابط درون خانواده را نیز تغییر داده است. این تأثیرات بر خانواده های ایرانی در دو بعد کارکردی و ساختاری قابل توجه است. در بعد ساختاری، تبدیل خانواده گسترده به هسته ای و تشکیل الگوهای جدید خانواده همچون خانواده تک والد، خانوارهای تک نفره، هم خانگی و ... از جمله تغییرات بوجود آمده است. در بعد کارکردی نیز برخی از کارکردهای خانواده به نهاد اجتماعی واگذار شده است.

اگر چه مدرنیته تبعات مثبتی از جمله از میان رفتن بسیاری از سنت های غلط و دست و پا گیر را به همراه داشته است اما تبعات منفی آن از جمله افزای آسیب های اجتماعی همچون طلاق، تأخیر سن ازدواج، روابط خارج از چارچوب و ... به حدی است که بر سایر تبعات سایه می افکند. این آسیب ها به همراه نفی سنت ها و ارزش های عرفی و قانونی، آزادی در روابط، وجود شکاف های بین نسلی و کاهش نظارت والدین بر فرزندان موجب انتخاب سبک های جدید و متنوع زندگی بدون توجه به عواقب آن در طولانی مدت شده است. یکی از این سبک های جدید پدیده ای موسوم به ازدواج سفید<sup>۱</sup> یا هم خانگی است که در دهه های اخیر موجبات نگرانی را در بسیاری از خانواده ها و نیز جامعه شناسان و سایر سیاست گذاران حقوقی و اجتماعی برانگیخته است. تا جایی که جامعه ایرانی - اسلامی به دلیل تناقض این پدیده نوین با سنت های دینی و فرهنگ عرفی، به شدت در برابر آن واکنش نشان داده است.

پدیده ازدواج سفید در ایران اولین بار در سال 1388 مطرح شد که طی آن در طرح امنیتی اجتماعی نیروی انتظامی مشخص شد در برخی از مناطق تهران خانه های سفید وجود دارد که در همان سال آمار حدود 15000 خانه سفید اعلام گردید. پدیده هم خانگی را شاید بتوان به نوعی از جمله جرایم بدون بزه دیده نامید زیرا رفتار موضوع آن را افرادی انجام می دهند که از شرکتشان در جرم شکایتی ندارند و آسیب مستقیمی هم نه علیه دیگران و نه علیه شرکت کنندگان در رفتار موصوف وارد نمی کنند (درویشی نژادخار، ۱۳۹۵). ازدواج های سفید، بدون تعهد و برای فرار از بار مسئولیت است و هیچگونه حمایت و ضمانت قانونی برای آن ها وجود ندارد. از آنجا که ازدواج سفید پدیده ای جدید است می توان با سنجش نگرش افراد تا حدودی میزان شناخت آن ها را نسبت به این پدیده برآورد کرد. علاوه بر اینکه جوانان در فضای بازتری از روابط و آشنایی دو جنس با هم هستند و از هیجانات و احساسات زیادی برخوردارند و می توانند در گروه هایی با نگرش های متفاوت عضویت داشته باشند، آشنایی بیشتر آن ها با اینترنت و دوستانی که ممکن است خانه های مجردی و روابط خارج از چارچوب ازدواج داشته باشند، در نگرش جوانان نسبت به ازدواج سفید می تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد (رسولی، ۱۴۰۰، ۵۲).

از دیدگاه حقوقی و از منظر قانون ازدواج سفید جرم بوده و از نظر شرعی نیز گناه محسوب شده و از سوی خانواده و نهادهای اجتماعی نیز پذیرفته شده نمی باشد. بنابراین می تواند آسیب های زیادی را به همراه داشته باشد. هرچند که ممکن است ارضای عاطفی و جنسی را به دنبال داشته باشد، اما از آنجایی که این پیوند از نظر حقوقی و قانونی در ایران هیچ

<sup>1</sup> white marriage

جایگاهی ندارد به محض آشکار شدن این نوع رابطه‌ها، خانواده‌ها با آن مخالفت می‌کنند و حمایت‌های اجتماعی نیز از زوجین برداشته می‌شود. بنابراین از جمله معضلات اخیر مطرح شده در حوزه حقوق خانواده، تهدید نهاد خانواده به واسطه پدیده ازدواج است که خود معلول عللی از جمله مشکلات اقتصادی، بالارفتن سن ازدواج، مسئولیت‌گریزی و هزینه‌های ازدواج رسمی است (مقیمی و کامرانلو، ۱۴۰۰، ۱۰۱).

لذا بهتر است که با فراهم کردن شرایط اجتماعی و اقتصادی مطلوب برای جوانان و تشویق آنان به ازدواج دائم، میزان تمایل آنان را به ازدواج سفید کاهش داد و آنان را از عوارض چنین پیوندهایی دور نگه داشت. (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، ۵۵) به طور کلی ازدواج سفید آسیب‌های فراوانی از جمله کاهش شدید ازدواج رسمی و سست شدن پایه‌های خانواده‌ها، کم شدن احساس مسئولیت در افراد، کاهش میل به ازدواج، کم شدن اعتماد زوجین به هم تحمیل هزینه اضافی بر جامعه برای پرورش فرزندان حاصل از این ارتباط، افزایش میل به طلاق و آغاز این گونه رفتارها در زوجین و مشکلات شدید روحی و روانی را به افراد، خانواده‌ها و جامعه تحمیل می‌کند. در ازدواج‌های سفید، چه ادعای نکاح اعم از دائم یا موقت وجود داشته باشد چه بدون هرگونه علقه زوجیت، طرفین این پدیده مجرمانه به زندگی با هم پردازند عمل، حادثه غیرقانونی و جرم بوده و برای هر مصداق از آن مجازات خاصی تعیین شده است. چه نکاح بدون ثبت باشد، چه رابطه نامشروع اعم از زنا یا مادون آن. بنابراین ازدواج سفید عملی خلاف شرع و قانون است و هیچ حمایت قانونی دریافت نمی‌کند و چه بسا در صورت کشف این روابط بسته به شرایط آن، مرتکبین با مجازات سنگینی روبرو شوند (محمدی و مرادی قلعه، ۱۴۰۱).

احتمال می‌دهیم در فقه ازدواج سفید با عنوان ازدواج معاطاتی مترادف باشد برخی می‌گویند نکاحی که صرفاً به اعلام توافق در تراضی طرفین بسنده می‌شود و فاقد ایجاب و قبول لفظی است و چنین پدیده‌ای جایی ثبت نمی‌شود. در فقه در مورد مشروعیت این نوع ازدواج اختلاف نظر است و اقلیت نظر به صحت این ازدواج دارند و اکثریت نظر به بطلان حکم می‌دهند.

ماده 1161 قانون مدنی (نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید) مطابق حکم ماده فوق ایجاب و قبول در عقد نکاح باید لفظی باشد با این وجود ماده 1166 قانون مدنی با اشاره به حالت عجز از تلفظ آمده که هرگاه یکی از طرفین یا هر دو لال باشند عقد به اشاره از طرف لال نیز واقع می‌شود. با توجه به ماده 11 قانون مدنی که اصل حاکمیت اراده قرارداد خصوصی پذیرفته شده احتمال می‌رود ازدواج سفید و یا زندگی مشترک ازاد از نظر ساختار حقوقی با قوانین خانواده و حقوق مدنی ایران قابل دفاع باشد و مانع جدی بر آن جز سلیقه سنتی وجود نخواهد داشت. در خصوص رابطه بین شرکائی زندگی نیز توافق آنها قانون حاکم بین آنهاست و بر اساس آن روابط آنها به پیش خواهد رفت. این نوع زندگی مشترک به نظر می‌رسد با نظم عمومی و اخلاق انسانی در تعارض نیست البته در این مورد اختلاف نظر است و اقلیت این نوع ازدواج را قبول کرده اند و اکثریت نظر به بطلان این ازدواج و مخالف نظم عمومی میدانند. آیا چنین رابطه‌ای را می‌توان از نظر فقه یا حقوق ایران ازدواج تلقی کرد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت باشد مصادیق و قلمرو ازدواج سفید را شامل می‌شود؟ مثلاً در مواردی که زوجین قصد زوجیت دارند بدون با توجه به مطالب بیان شده در این پژوهش در پی آنیم که به پاسخی برای این پرسش برسیم که ماهیت ازدواج سفید در حقوق ایران و فقه به چه صورت بیان شده است؟

## ۲- پیشینه تحقیقات

حیدری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود به بررسی آثار حقوقی و کیفری ازدواج سفید در ایران پرداخته‌اند. و به این نتیجه دست یافتند که از منظر حقوقی ازدواج سفید منطبق با هیچ یک از نهادهای ازدواج رسمی در ایران نبوده و از منظر کیفری نیز جرم انگاری این پدیده به دلیل اصل حداقلی بودن حقوق جزا و ورود به حریم خصوصی قابل قبول نبوده و طبیعتاً وقتی قانون این ازدواج را جرم می‌داند هیچ گاه مسئولیت حقوقی و مدنی آن را نیز عهده دار نیست و با تبعات آن نیز مانند جرم برخورد خواهد کرد. قرار گرفتن این پدیده در قالب جرایم بدون بزه دیده و عدم امکان شناسایی مرتکبان، روند کشف، تعقیب، رسیدگی و مجازات را دچار مشکل می‌سازد. از دیدگاه کارشناسان، عمده دلایل گرایش افراد به این نوع رابطه، سهولت انجام عمل ازدواج سفید است که به دلیل تغییرات فرهنگی در اثر پیشرفت ارتباطات و برخورد فرهنگ‌های جوامع مختلف بنا به دلایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی به وجود آمده است. بنابراین در نظام حقوقی ایران، ازدواج سفید نه تنها از مشروعیت قانونی برخوردار نیست بلکه در صورت احراز، مجازات کیفری مانند حد و تعزیر در پی دارد.

سادات حسینی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به واریسی فقهی و حقوقی واقعه ازدواج سفید در رژیم حقوقی ایران پرداخته است. در این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی تهیه و تنظیم گردیده است، با بررسی منابع فقهی و حقوقی حوزه حقوق خانواده به بررسی مقوله ازدواج، ارکان و الزامات آن پرداخته و تالش شده است تا آن شرایط و قواعد را با ازدواج سفید تطبیق کند تا روشن شود که آیا ازدواج سفید به عنوان یک پدیده اجتماعی، از منظر حقوقی و شرعی نیز قابل پذیرش باشد یا خیر، لذا سوال اصلی این تحقیق حول این محور است که ازدواج سفید از نظر فقهی و حقوقی دارای چه وضعیتی است؟ یافته‌ها و نتایج تحقیق بیانگر این است که از منظر شرع و فقه و به تبع آن، از نظر حقوقی، ازدواج سفید امری مذموم، غیرشرعی و غیرقانونی است که حتی از نظر حقوق کیفری نیز جرم انگاری شده است، از نظر ابعاد حقوقی این پدیده سبب افزایش خشونت علیه زنان، ایجاد فرزندان بدون هویت، سقط جنین، تهدید نظام خانواده و غیره شده است و از نظر فقهی و شرعی نیز ادله مطروحه توسط فقها و حقوقدانان در خصوص ازدواج سفید مانند آیات قرآن، روایات، اجماع، فقدان لزوم اذن ولی، عدم رعایت تشریفات نکاح مانند جاری شدن صیغه، عدم ایجاب، عدم قبول، فقدان قصد و مانند آن، منتهی به ارائه نظریه بطلان این نوع ازدواج گردیده است که به تبع آن، در حقوق مدنی و حقوق خانواده نیز مورد پذیرش قرار نگرفته است.

زینلی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی نگرشی فقهی به نقش ازدواج سفید و جایگاه ازدواج موقت در تحول قوانین نظام خانواده در جامعه اسلامی پرداخته است. این پژوهش با هدف تحلیل بایدها، نبایدها و ابعاد فقهی، حقوقی ازدواج سفید و ارائه راهکار جایگزین-ازدواج دائم و موقت- پیامدهای آنها را تبیین می‌کند. همخانگی بدون ازدواج پدیده ناهنجار، غیرقانونی، فاقد مشروعیت و ضد فرهنگ اسلامی-ایرانی است که به عنوان ازدواج سفید بین افراد جامعه رشد یافته است. ازدواج موقت در ابتدا باعث ایجاد ذهنیت منفی مخصوصاً در ذهن زنان جامعه گردیده اما اگر علل، شرایط و فواید واقعی آن بررسی قرار گردد، متوجه می‌شویم که این ازدواج و فلسفه وجودی آن برای جامعه اسلامی امری حیاتی است و مختص کسانی است که شرایط قبول مسئولیت ازدواج دائم را ندارند ولی نیازهای جسمی و جنسی دارند. این تحقیق، پژوهشی توصیفی-تحلیلی بوده که به روش کتابخانه‌ای تلاش نموده ازدواج سفید و ازدواج موقت را از هم تفکیک کرده و مشروعیت دینی، حقوقی و اجتماعی آنها را با وجود گسترش، در کشور ما مطرح کند و

زیانهای ازدواج سفید را برای فرد و خانواده مشخص کرده و لزوم و فواید ازدواج دائم و موقت را بعنوان راه حل جایگزین در جامعه امروزی نشان دهد.

عبدی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی و تحلیل جرم شناختی ازدواج سفید پرداخته اند. پس از تحلیل از بررسی به این نتیجه دست یافتند که تا چندین سال قبل مهم ترین آسیبی که خانواده های ایرانی را مورد تهدید قرار می داد، پدیده ی طلاق بود. گرچه افزایش سن ازدواج، بی رغبتی جوانان به ازدواج و عدم تمایل به فرزندآوری (و در نتیجه کاهش جمعیت) هم در مراحل بعدی قرار می گرفت. اما پدیده ای که در چندین سال اخیر، علی الخصوص از سال ۱۳۹۳، با ظهورش موجبات آسیب پذیرتر شدن خانواده ها را ایجاد کرده است، ازدواج سفید خصوصاً در بین افراد دارای تحصیلات است. در بررسی حقوقی ازدواج سفید به نکات فراوانی از جمله تدلیس، زنا، طفل نامشروع، جرائم منافی عفت بر می خوریم که در تمامی این موارد قانون مجازات اسلامی دارای قوانینی خاص می باشد لذا بررسی این موارد از اهمیت فراوانی برخوردار می باشد.

آقایی (۱۳۹۸) در مقاله ای به بررسی و واکاوی جرم شناسانه ازدواج سفید با رویکرد جامعه شناختی پرداخته است. پژوهش حاضر با هدف شناخت عوامل گرایش به ازدواج سفید و تبیین جرم شناختی آن با توجه به ابعاد جامعه شناختی آن با روش مبتنی بر رویکرد ترکیبی کمی - کیفی انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر بود که از میان آنها تعداد ۵۴ نفر به روش در دسترس برای ورود به بخش کمی پژوهش و تعداد ۱۴ نفر به روش هدف دار و براساس رسیدن به اشباع نظری در مصاحبه، برای ورود به بخش کیفی پژوهش انتخاب شدند. اطلاعات پژوهش با استفاده از پرسش نامه محقق ساخته با ۵۵ گویه جمع آوری و داده ها با استفاده از آزمون t و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان دهنده رابطه معنی دار و مستقیم ازدواج سفید با عقاید فمینیستی، عدم اعتقاد به هنجارها و اصول مذهبی، شرایط بد اقتصادی و بیکاری، مخالفت با ازدواج سنتی، لذت طلبی، دوستی با افراد سابقه دار در ازدواج سفید، از هم گسستگی خانواده، فقدان کیفرگذاری مستقل برای ازدواج سفید، عدم نظارت همگانی، کسب حمایت برای زنان و عدم تعهد و مسئولیت در ازدواج سفید است.

### ۳- ادبیات نظری

#### مبحث اول: بطلان ازدواج سفید

ازدواج سفید به مانند نکاح معاطاتی از نظر حقوقدانان و فقها باطل اعلام شده است. در این قسمت به بررسی دلایل فقهی و حقوقی بطلان ازدواج سفید می پردازیم.

#### گفتار اول: دیدگاه فقها

نظریه بطلان ازدواج سفید در فقه امامیه از اعتبار زیادی برخوردار است. تقریباً تمام فقهای که معترض بحث نکاح شده اند، بر لزوم لفظی بودن ایجاب و قبول تأکید نموده اند. به عنوان نمونه، امام خمینی (ره) در این خصوص اظهار داشته اند: «النکاح علی قسمین: دائم و منقطع، و کل منهما یحتاج الی عقد مشتمل علی ایجاب و قبول لفظین؛ نکاح بر دو قسم دائم و منقطع است و هر کدام محتاج عقده است که مشتمل بر ایجاب و قبول لفظی باشد» (خمینی (ره): ۱۳۶۶، ج ۲، ۲۴۶). ایشان در ادامه تأکید می نمایند که مجرد رضایت قلبی طرفین کفایت نمی کند و معاطاتی که در غالب معاملات جریان دارد در عقد نکاح کفایت نمی کند، از این نظر می توان استفاده نمود که در ازدواج سفید رضایت قلبی طرفین کفایت نمی کند. عبارتی که نقل شد یا مشابه آن در بسیاری از منابع فقهی مشاهده می شود (همان). بعضی از فقها در مورد



برید بن معاویه عجلی از اصحاب اجماع و از برندگان به شمار می‌آید و به همین دلیل روایتی که او نقل کرده است معتبر می‌باشد. آیت‌الله خویی از کسانی است که روایت برید را دلیل بر لزوم صیغه در عقد نکاح دانسته و می‌نویسد: این روایت بر اعتبار لفظ و نیز عدم کفایت رضایت قلبی، بلکه بر عدم کفایت تلفظ به غیر الفاظ معین دلالت واضحی دارد (خویی: ۱۳۷۷، ج ۳، ۱۲۹).

مرحوم نراقی ترجیح داده است روایت فوق را مؤید لزوم صیغه بنامد (نراقی: ۱۴۱۵، ج ۱۶، ۸۴). البته ارزش اثباتی آن کمتر است ولی گروهی دیگر از فقها در دلالت روایت فوق بر مورد بحث اشکال کرده و اظهار داشته‌اند: آیه فوق نافی اعتبار نکاح معاطاتی نیست. زیرا آیه با توجه به تفسیر ذکر شده مورد متعارف و شایع را بیان می‌نماید. به تعبیر دیگر آیه حداکثر درستی نکاح با صیغه را اثبات می‌نماید و این مستلزم بی‌اعتباری نکاح بدون صیغه نمی‌باشد. بدین ترتیب روایت برید دلالتی بر موضوع بحث ندارد (مکارم شیرازی: ۱۳۸۲، ج ۱، ۸۹). علاوه بر آیات، جمعی از فقها برای ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول در عقد نکاح به روایاتی استناد کرده‌اند که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرند.

- «خالد بن الحجاج» نقل می‌کند که به امام صادق (ع) گفتم: مردی می‌آید و می‌گوید: این پارچه را بخر و به تو چنین و چنان سود می‌دهم. امام فرمود: آیا اینطور نیست که اگر خواست ترک می‌کند و اگر خواست می‌گیرد؟ گفتم: آری، چنین است. امام فرمود: «لا بأس به إنما يحلّ الكلام ويحرم الكلام؛ مانعی ندارد همانا این کلام است که حلال می‌کند و این کلام است که حرام می‌نماید» (طوسی: ۱۴۰۷، ج ۷، ۵۰). نحوه استدلال به روایت فوق آن است که امام در این روایت کلام را محلل و محرم نامیده است و با توجه به کلمه «انما»، در روایت حصر معلوم می‌شود. در نتیجه فقط کلام است که محرم است و غیر آن اثری ندارد. از سوی دیگر اگرچه صدر روایت ناظر به باب بیع است، ولی ذیل آن قاعده کلی به دست می‌دهد. بنابراین مفاد آن مبین یک قاعده کلی است و در تمامی عقود و ایقاعات از جمله عقد نکاح جریان می‌یابد. در نتیجه معاطات در عقود و از جمله عقد نکاح فاقد اثر است (مراغی حسینی: ۱۴۱۷، ج ۲، ۸۸).

بر استدلال‌های فوق، علاوه بر ضعف سند روایت به دلیل مجهول بودن «ابن حجاج»، اشکال‌های متعددی وارد شده است (مکارم شیرازی: ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۵۵). نخست آنکه مقصود امام از عبارت ذکر شده اجمال دارد. شیخ انصاری در مورد آن چهار احتمال ذکر نموده است که تنها براساس یک احتمال سخن امام نافی اثر معاطات در عقود است و این است که مراد از کلام در سخن امام لفظ دالّ بر تحلیل و تحریم باشد؛ به این معنا که تحریم شیء و تحلیل آن تنها با نطق صورت می‌گیرد و با قصد مجرد از کلام یا با قصدی که افعال بر آن دلالت نماید محقق نمی‌گردد. ایشان در تضعیف این احتمال می‌نویسد: اگر این احتمال در مورد سخن امام صحیح باشد، تخصیص اکثر لازم می‌آید. زیرا در بسیاری از عقود معاطات پذیرفته شده است. افزودن بر آن اگر این احتمال صحیح باشد، ارتباط میان سؤال راوی و پاسخ امام از بین می‌رود (انصاری: ۱۳۷۷، ج ۶، ۶۳).

با توجه به توضیحات فوق از این حدیث نمی‌توان بطلان نکاح معاطاتی را نتیجه گرفت و شاید به همین دلیل بسیاری از فقهاء در مقام استدلال بر بطلان نکاح معاطاتی به روایت فوق استناد نکرده‌اند. - ابان بن تغلب می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدیم، اگر خواستم زنی را به نکاح موقت در آوردم چه بگویم؟ اما در پاسخ فرمود: «تقول أتزوجك متعه علی کتاب الله و سنه نبیه... فإذا قالت نعم فقد رضیت و هی امرتک أنت أولى الناس بها؛ بگو تو را به نکاح موقت در آوردن بر کتاب خدا و سنت پیامبر او...، اگر گفت بله، پس رضایت داد و او همسر تو است و تو سزاوارترین مردم بر او هستی» (حر عاملی: ۱۴۱۰، ج ۹، ۴۳).

نحوه استدلال بر روایت فوق در مورد بحث این است که راوی از چگونگی ایجاد رابطه زوجیت پرسید و امام به او فرمود بگو: «اتزوَجک». این روایت مفید آن است که در عقد نکاح لفظ لازم است. این روایت اگرچه راجع به نکاح منقطع است، ولی از آن لزوم لفظی بودن عقد نکاح دایم نیز معلوم می‌شود. زیرا اگر در نکاح موقت لفظ لازم است در نکاح دایم به طریق اولی لازم است (خویی: ۱۳۷۷، ج ۳، ۱۲۹). دلالت روایت فوق نیز بر مورد بحث تمام نیست. زیرا اولویت ادعا شده تمام نیست و بین نکاح موقت و دایم تفاوت‌هایی وجود دارد که ممکن است در حکم ذکر شده دخالت داشته باشد. از جمله این تفاوت‌ها این است که در عقد منقطع، ذکر مهر ضروری است و بدون آن عقد باطل است، در حالی که در نکاح دایم چنین نیست افزون بر آن ممکن است پاسخ امام مبنی بر اینکه می‌فرماید: «اتزوَجک» به خاطر آن باشد که راوی پرسیده بود. چه بگویم «کیف أقول لها» یعنی راوی از لفظ پرسید و امام نیز پاسخ را روی الفاظ برد مگر اینکه ادعا شود راوی از آن رو از نحوه تلفظ سؤال کرد که اصل مسأله لفظی بودن ایجاب و قبول مسلم بوده است. روایات دیگری در جوامع روایی وجود دارد که تماماً از همین باب است و ناظر به الفاظ عقد نکاح و نحوه تلفظ به آن است (حر عاملی: ۱۴۱۰، ج ۹، ۲۶۱).

به نظر می‌رسد از این روایات ممکن است بر ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول استدلال شود و گفته شود که چون اصل ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول مسلم و مفروغٌ عنه بوده است از این رو نحوه تلفظ بیان شده است. ولی دلیل قابل اعتمادی بر این ادعا وجود ندارد و بعید نیست که این سؤال و جواب‌ها ناظر به مورد غالب و شایع در زمان صدور احادیث باشد. شاید به همین دلیل بسیاری از فقهاء با وجود اینکه قایل به بی‌اعتباری ازدواج سفید شده‌اند ولی برای مدعای خود به روایات تمسک نکرده‌اند.

در بعضی منابع برای اثبات بی‌اعتباری نکاح معاطاتی، به اصول عملی استناد شده که ذیلاً بیان می‌شود:

الف- «اصل استصحاب»؛ مرحوم نراقی می‌نویسد: «تجب فی النکاح الصیغه لأصاله عدم ترتب آثار الزوجیه بدونها» در نکاح صیغه لازم می‌باشد؛ زیرا اصل آن است که بدون صیغه آثار زوجیت مترتب نمی‌شود. یعنی وقتی در ترتب آثار زوجیت پس از ایجاب و قبول غیرلفظی تردید شود، مقتضای اصل استصحاب، عدم ترتب اثر زوجیت بر آن است (نراقی: ۱۴۱۵، ج ۱۶، ۸۴).

ب- «اصل احتیاط»؛ ممکن است گفته شود نکاح برخلاف سایر عقود است و از اهمیت خاصی برخوردار است. صاحب وسائل الشیعه بابی را به «وجوب احتیاط در نکاح» اختصاص داده که دلالت آنها بر لزوم احتیاط در نکاح روشن است. اهمیت مسأله ازدواج ایجاب می‌نماید که عقد نکاح به گونه‌ای جاری شود که در درستی آن اطمینان باشد در حالی که در صحت نکاح معاطاتی اطمینانی وجود ندارد. در ارزیابی تمسک به اصول عملی یاد شده برای اثبات بی‌اعتباری نکاح معاطاتی باید اشاره شود که کاربرد اصول عملی برای موارد شک و فقدان دلیل است. حال اگر دلالت «اوفوا بالعقود» بر نکاح معاطاتی تمام باشد، با وجود این دلیل اجتهادی، دیگر تمسک به اصول عملی وجهی ندارد (مکارم شیرازی: ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۲۲).

عقد معاطاتی اعم از بیع و نکاح عرفاً عقد است و مطابق آیات، وفای به عقد نیز لازم است. مگر این که دلیل قابل قبولی اقامه گردد که عقد خاصی را استثناء نموده باشد. کسانی که به اصول عملی در مورد بحث استناد می‌نمایند، تلویحاً به فقدان دلیل بر بی‌اعتباری نکاح معاطاتی اعتراف می‌نمایند. با همین منطوق، تمسک به «أصاله الفساد فی المعاملات» برای اثبات بی‌اعتباری نکاح معاطاتی نیز وجهی ندارد (نراقی: ۱۴۱۵، ج ۱۶، ۸۴). جمع قابل توجهی از فقهاء برای لزوم لفظی

بودن ایجاد و قبول در عقد نکاح، اجماع تمسک کرده‌اند. شیخ انصاری با اشاره به اجماع علمای اسلام بر ضرورت لفظی بودن عقد نکاح بیان داشته است: «أجمع علماء الإسلام - كما صرح به غیر واحد - علی اعتبار أصل الصیغه فی عقد النکاح؛ علمای اسلام اجماع دارند - همان‌طور که جمعی به آن تصریح کرده‌اند - بر اینکه در عقد نکاح صیغه لازم است» (انصاری: ۱۳۷۷، ۷۸). صاحب ریاض هم ادعای اجماع کرده است (طباطبایی: ۱۴۱۹، ج ۱۱، ۱۰). صاحب حدائق مدعی است که لزوم لفظی بودن عقد نکاح اجمالی علمای خاصه و عامه است (بحرانی: ۱۴۰۵، ج ۳۳، ۱۵۷).

از نظر جمعی از فقهاء مهمترین و قابل اعتمادترین دلیل بر بی‌اعتباری نکاح معاطاتی (و به تبع آن ازدواج سفید) و لزوم لفظی بودن عقد، اجماع فقهاء و سیره مسلمین است. بعضی فقهای معاصر با اشاره به این مسأله اظهار داشته‌اند: «به نظر می‌رسد عمده دلیل همان تسلیم بین المسلمین من الامامیه و العامه است که همه اعتبار لفظ را مفروغ عنه گرفته‌اند و سراغ شرایط صیغه رفته‌اند». فقیه دیگری در بیان اهمیت این اجماع و ارزش آن تأکید می‌کند: «این اجماع را نباید دست کم گرفت؛ چون مدرک مهم دیگری که مجمعی به آن استناد کرده باشند در دست نیست» (مکارم شیرازی: ۱۳۸۲، ج ۱، ۸۹).

یعنی اجماع در این مسأله مدرکی نیست، زیرا مدرک قابل اعتمادی در این مورد وجود ندارد. بنابراین از نظر ایشان اجماع ادعا شده در این مسأله تعبدی است. لذا این سؤال مطرح می‌شود که آیا اجماع و سیره‌ای که بر بطلان نکاح معاطاتی مورد استناد قرار گرفت به درجه‌ای از قوت است که بتواند با ادله لزوم وفای به عقد و عهد مقابله نماید؟ اموری که به آن اشاره می‌شود اعتبار اجماع و سیره ادعا شده با تردید مواجه می‌سازد:

الف - بعید نیست اجماع در این مسأله مدرکی باشد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که این توافق فقهی به اعتماد روایاتی باشد که نقل شده است. همان‌طور که بعضی فقهاء به این موضوع تصریح نموده‌اند: «عدم قیام دلیل علی هذا الحکم و عدم حجیه مثل هذه الإجماعات» (مکارم شیرازی: ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۲۳).

ب - فقهاء در مورد مفهوم معاطات اتفاق نظر ندارند. حال آیا اجماع بر ضرورت لفظ در عقد نکاح و بی‌اعتباری معاطات در حالی که اجماع‌کنندگان تلقی یکسانی از آن ندارند و آن از تلقی‌ها به قدر متیقنی نیز نمی‌توان دست یافت، می‌تواند کافش از قول معصوم بوده و حجت باشد؟ آیا این‌گونه نیست که جمعی از فقهای که لفظ را ضروری دانسته‌اند، به این جهت بوده است که اساساً معاطات را عقد نمی‌دانسته‌اند؟ روشن است که با این احتمالات نسبتاً قوی، این چنین اجمالی قابل اعتماد نیست.

ج - بعید نیست سیره مسلمین در اجرای عقد نکاح به الفاظ مخصوص تنها برای غایت احتیاط باشد. بلکه ظاهراً همین‌طور است در این صورت چه دلیلی وجود دارد که اگر کسی بدون رعایت احتیاط، عقد نکاح را با ایجاب و قبول کتبی محقق نموده است را باطل بدانیم؟

د - ممکن است اعتماد به لفظ در اعلام اراده و بی‌اعتنایی به وسایلی مثل کتابت، به دلین دلیل باشد که در صدر اسلام رایج‌ترین و در عین حال صریح‌ترین وسیله اعاده اراده الفاظ بوده‌اند در این صورت دلیلی ندارد که با رواج کتابت و اعتماد به آن در عقود مهم، ایجاب و قبول مکتوب در نکاح باطل باشد. در نهایت رعایت احتیاط در نکاح، شرعاً مطلوب است، ولی نباید از نظر دور داشت که سخت‌گیری و افراط در احتیاط و زیاد کردن تشریفات آن نیز شرعاً مذموم است.

بنای شرع مقدس اسلام، بر آسان کردن نکاح و سخت کردن شرایط طلاق است و به همین دلیل با وجود اینکه در طلاق، حضور شهود ضروری است در نکاح غیر ضروری می‌باشد (سیدی بنایی: ۱۳۹۰، ۱۰۸).

### گفتار دوم: دیدگاه حقوقدانان

از نظر قانون مدنی، معاطات در عقود صحیح است و لازم نیست ایجاب و قبول لفظی باشد. در ماده ۱۹۳ قانون مدنی بیان می‌دارد: انشای معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد، مثل قبض و اقباض حاصل می‌گردد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. مطابق این ماده به غیر از موارد استثنایی، انشای معامله از طریق فعل و نه لفظ نیز ممکن است. مطابق قسمت اخیر ماده فوق «مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد» معاطات صحیح است. از جمله موارد استثناء شده عقد وقف است، مصداق دیگر این بخش عقد نکاح است. البته قانون مدنی در باب نکاح، میان حالت اختیار و اضطرار فرق گذاشته است. در ماده ۱۰۶۲ ق.م. وقوع نکاح را منوط به الفاظ صریح می‌داند: «نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نمایند». از آن جایی که در سیستم حقوقی اسلام و نظام مدنی مسلمین، نکاح قراردادی عادی و معمولی نیست و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، لذا قانونگذار صرف بیان صریح اراده طرفین و یا انجام اعمالی از سوی آنان که بیان کننده قصد و تراضی آنان باشد را در انعقاد قرارداد کافی ندانسته، بلکه به پیروی از فقه امامیه در انعقاد پیمان ازدواج علاوه بر اعلام توافق طرفین، اعمال ایجاب و قبول با اظهار الفاظی که صریحاً قصد و اراده طرفین بر ازدواج را آشکار و مبین نماید لازم دانسته است و به عبارت دیگر به موجب ماده فوق زوجین ناگزیرند که رابطه زوجیت و پیمان ازدواج خود را به وسیله ایجاب و قبول لفظی ایجاب و منعقد نمایند. مستند از ماده فوق، این است که قانون مدنی برای ایجاب و قبول صیغه خاص و یا لغت و لفظ ویژه‌ای را ملحوظ نداشته بلکه هر لغت (زبان) و هر نوع صیغه‌ای را که دلالت صریح بر قصد ازدواج داشته باشد کافی دانسته است (محقق داماد، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵).

### مبحث دوم: جرایم ارتكابی در ازدواج سفید

در ازدواج سفید ممکن است که زن یا مرد و یا هر دو رابطه زوجیت بین خود با دیگری را بی‌اساس بدانند و در این حال به نحوی به وجود زنا و روابط نامشروع اقرار کنند. که در این صورت به دلیل عدم وجود رابطه زوجیت هر دوی آنها مرتکب فعل حرام شده و مشمول مجازات در چارچوب قانون مجازات اسلامی بر حسب مورد جرم زنا یا روابط نامشروع قرار خواهد گرفت. علاوه بر این جرائم دیگری مرتبط با این نوع ازدواج رخ می‌دهد که می‌توان با توجه به چگونگی ارتکاب آن در چهار مورد آنها را بررسی کرد؛

گفتار اول: جرایم ارتكابی از سوی مرد

این نوع جرایم ارتكابی را می‌توان عدم ثبت واقعه ازدواج و عدم رعایت مقررات قانونی مدنی بیان نمود. ذیلاً به بررسی هر یک از جرایم می‌پردازیم.

### بند یک: عدم ثبت واقعه ازدواج

طبق قانون جدید حمایت خانواده، ثبت ازدواج ضروری است. بر این اساس عدم ثبت ازدواج دائم یا طلاق یا رجوع در دفاتر رسمی جرمی است که به صورت ترک فعل محقق می‌شود. منظور از دفاتر رسمی، دفاتر ازدواج و طلاقی است که برابر مقررات قانونی تشکیل شده باشد. عدم ثبت ازدواج موقت مشمول این ماده نیست. منظور از رجوع، رجوعی است که در ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی پیش‌بینی شده: «در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده، حق رجوع است».

بنابراین رجوعی که زن در طلاق خلع و مبارات می‌تواند به عوض داشته باشد و طلاق را تبدیل به رجعی نماید مشمول حکم این ماده نیست. جرم موضوع این ماده از جرائم عمومی است و تعقیب آن نیازی به شکایت شاکی خصوصی ندارد. با صراحت مندرجات ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی عدم ثبت واقعه ازدواج برای زوجه جرم نیست. اگر بعد از انجام واقعه اقدام به ثبت واقعه ازدواج نماید، به تکلیف قانونی خود عمل نموده و وجود فاصله زمانی بین اجرای صیغه ازدواج و ثبت آن موجب تعقیب شوهر نخواهد بود.

به منظور فراهم شدن زمینه ثبت نکاح‌های غیررسمی، قانون ثبت احوال راه‌حلی را در نظر گرفته است. مطابق ماده ۳۲ قانون ثبت احوال؛ ازدواج‌هایی که در دفاتر رسمی به ثبت نرسیده باشند با وجود شرایط ذیل قابل ثبت در اسناد سجلی زوجین است: «ارائه اقرارنامه رسمی مبنی بر وجود رابطه زوجیت بین متقاضیان ثبت واقعه ازدواج؛ در موقع تنظیم اقرارنامه سن زوج از بیست سال تمام و سن زوجه از هجده سال تمام کمتر نباشد؛ گواهی ادارات ثبت احوال محل صدور شناسنامه‌های زوجین به این که در تاریخ اعلام واقعه، طرفین در قید ازدواج دیگری نباشند؛ همچنان که از حکم ماده ۳۲ قانون ثبت احوال برمی‌آید، ازدواج مردی که دارای همسری دیگری است قابل ثبت نیست و با توجه به اختلاف نظر بین قضات در زمینه ثبت ازدواج دوم معلوم می‌شود، رویه قضایی مخدوش است».

ماده ۶۴۵ ق.م.ا. مجازات مردی که بدون ثبت مبادرت به ازدواج می‌کند را حبس تعزیری تا یک سال در نظر گرفته است. لایحه حمایت خانواده این مجازات را به جزای نقدی (۲۰ تا ۱۰۰ میلیون ریال) تبدیل کرده است. این میزان جریمه بالا می‌تواند دارای خاصیت بازدارندگی باشد، اما بی‌تردید مجازات حبس، شدیدتر از جزای نقدی محسوب می‌گردد. البته شاید امکان جمع جزای نقدی با محرومیت از حقوق اجتماعی در ماده ۴۴ این تخفیف را جبران نماید (زراعت: ۱۳۹۳، ج ۱، ۵۰۱-۵۰۲).

به هر حال، مجازات مندرج در لایحه مذکور از آن جهت که دارای حداقل است بر مجازات مندرج در ماده ۶۴۵ ق.م.ا. (تا یک حبس) که مجازاتی حداکثری می‌باشد، ارجحیت دارد؛ زیرا مطابق ماده ۶۴۵ ق.م.ا. قاضی می‌تواند صرفاً یک روز حبس برای مرد قرار دهد و وسعت دامنه مجازات تا این حد قابل توجیه نیست. یکی از نکات مثبت این لایحه، الزام مرد به ثبت نکاح، همراه با اعمال مجازات است که قوانین فعلی و سابق به این مسأله توجه نکرده بودند. اجرای مجازات بر مرد به تنهایی رافع آثار سوءناشی از عدم ثبت نکاح نیست و زن به منظور اثبات مکلف به اقامه دعوی در دادگاه خانواده می‌باشد و چون تشریفات رسیدگی، گذشت زمان را می‌طلبد و زوجه را در تنگنا می‌اندازد و بار محاکم دادگستری را نیز افزایش می‌دهد؛ لذا لایحه حمایت خانواده مرد را در کنار تحمل مجازات، ملزم به ثبت واقعه نکاح در همان پرونده کیفری نموده و نیاز به اقامه دعوی جدیدی از سوی زوجه نمی‌باشد. ماده ۴۴ این لایحه در باب مقررات کیفری: برای مردی که بدون در دفاتر رسمی اقدام به ازدواج دائم کند، مجازات جزای نقدی از بیست تا صد میلیون ریال قرار داده و جمع این مجازات با یکی از محرومیت‌های اجتماعی است. طبق ماده ۴۷ سردفتر صرفاً در مقابل ثبت ازدواج مجدد بدون اجازه دادگاه مسئول شناخته شده و مجازات چنین سردفتری، انفصال دائم از شغل سردفتری است (گلدوزیان: ۱۳۹۳، ۴۶۳).

### بند دوم: عدم رعایت مقررات قانون مدنی در خصوص ازدواج

یکی از مسائل و مقررات مهم قانون مدنی در خصوص نکاح، اذن پدر یا جد پدری است. در ازدواج سفید، دختر بدون رضایت ولی خود به این رابطه تن می‌دهد. با مراجعه به آیات و روایات و فتاوی فقها می‌توان نوعی محدودیت اراده و

منع از آزادی در عمل را نسبت به زنان مشاهده کرد. به این معنی که زن باید برخی اعمال و رفتارهای خود را با اذن و اجازه شخص دیگری انجام دهد. آن شخص در قبل از ازدواج پدر و جد پدری اوست. مقصود از ولی در تبصره ماده ۱۰۴۱ اصلاحی، ولی قهری یعنی پدر و جد پدری است. برای مادر یا جد مادری یا اشخاص دیگر ولایتی در نکاح و امور دیگر نیست. اما در مورد وصی منصوب از سوی پدر یا جد پدری قول مشهور فقها ولایت است، با این استدلال که اصل عدم ولایت و عدم قابلیت انتقال ولایت از ولی قهری به وصی است و دلیلی بر ولایت وصی در این مورد نیست و صغیر هم نیازی به این گونه ولایت ندارد (صفایی و امامی: ۱۳۹۱، ۷۶).

ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی اصلاحی سال ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد: «نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست».

براساس این ماده، دختری که به سن بلوغ رسیده و قاعدتاً از تحت ولایت خارج است، از نظر نکاح نمی‌تواند مستقلاً اقدام کند، در عین حالی که دیگر تحت ولایت نیست و نظرش معتبر است و عقد نکاح بدون رضایت و اراده او واقع نمی‌شود، باید اجازه و موافقت پدر یا جد پدری را نیز جهت انعقاد عقد نکاح تحصیل کند. دختری که اجازه پدر یا جد پدری را برای نکاح لازم دارد، دختری است که باکره است یعنی هنوز ازدواج نکرده و با او آمیزش نشده است. وفق نظر فقها، اگر دختری ازدواج کرده ولی از جلو با او نزدیکی صورت نگرفته و به علتی از شوهر خود جدا شده و باز می‌خواهد ازدواج کند چون باکره است برای ازدواج دوم نیز احتیاج به اجازه پدر دارد (مهرپور: ۱۳۸۹، ۱۱۸). همچنین دختری که در اثر پریدن یا عملیات جراحی و امثال آن بکارتش زایل شده در حکم باکره است و برای ازدواج اجازه پدر را لازم دارد. ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی قبل از اصلاحیه سال ۱۳۶۱ مقرر می‌داشت: «نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده، اگرچه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد، متوقف به اجازه پدر یا جد پدری اوست». و در اصلاحیه سال ۱۳۶۱ چون دیگر سن ۱۸ سال موضوعیت برای رشد نداشت و ملاک سن ازدواج، سن بلوغ تعیین شد، عبارت اگرچه به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشد به: «اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد»، اصلاح شد. در اصلاحیه سال ۱۳۷۰ عبارت دختری که هنوز شوهر نکرده به «دختر باکره» تبدیل شد، چون عبارت قبلی این توهم را ایجاد می‌کرد که اگر دختری شوهر کرده باشد و قبل از دخول جدا شده باشد، چون عنوان شوهر کردن بر او صدق می‌کند برای ازدواج بعدی نیازی به اجازه پدر ندارد. در حالی که در این صوت هم اجازه پدر لازم است، برای رفع این شبهه در اصلاحیه عنوان دختر باکره ذکر شد (کاتوزیان: ۱۳۹۴، ۹۹). اگر بکارت دختر بر اثر زنا یا شبهه زایل شده باشد، دیگر برای ازدواج اجازه ولی را لازم ندارد، زیرا عنوان باکره که مبنای لزوم کسب اجازه پدر بود وجود ندارد. در عین حال برخی از فقها معتقدند وقوع نزدیکی ناشی از نکاح صحیح، موجب سلب عنوان باکره از دختر و سقوط اجازه ولی می‌گردد و در غیر این صورت باز هم دختر در حکم باکره است و باید برای نکاح از ولی خود اجازه بگیرد (شایگان: ۱۳۸۵، ۲۶۶).

با دقت در موارد مطرح شده و عرف جامعه ما، در ازدواج‌های سفید ولی دختر از این نوع ازدواج بی‌خبر است. بدین- لحاظ یکی از مهمترین شروط نکاح توسط مرد نقض می‌شود.

### **بند سوم: عدم پرداخت نفقه به همسر**

از جرایم مهم در ازدواج سفید، ترک انفاق به همسر می‌باشد. به لحاظ سست بودن رابطه این نوع ازدواج، این جرم به وفور می‌تواند اتفاق بیفتد. جرم ترک انفاق نیز مانند سایر جرایم دارای عناصر مادری و معنوی بوده، طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات برای آن در قوانین مصوبه، مجازات تعیین شده و مقنن چنین عملی را جرم شناخته است. بعد از

انقلاب اسلامی نیز ابتدا ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ و به دنبال آن در حال حاضر ماده ۶۴۲ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، اصل قانونی بودن جرم ترک انفاق و مجازات آن را مورد توجه قرار داده است. با توجه به نتایج حاصله از اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها (تفسیر مضیق قوانین جزایی و عطف به ماسبق نشدن این قوانین)، در هنگام انتساب چنین جرمی به متهم و بررسی شرایط آن باید به تفسیر مضیق و جزایی توسل جست. یعنی مسئولیت کیفری در محدوده تفسیر مضیق محتاج به دلایل کافی است و در رسیدگی به هر کیفری قانوناً قاضی مکلف به تفهیم اتهام و دلایل آن به متهم است (خزایی: ۱۳۷۳، ۱۴۳).

همچنین برای جرم با توجه به قانون حاکم بر زمان وقوع آن باید مجازات تعیین کرد. بنابراین چنانچه شخصی قبل از خرداد سال ۱۳۷۵ مرتکب جرم ترک انفاق گردیده است و در زمان حاکمیت ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی، دادگاه برای او قصد تعیین مجازات دارد، تعیین مجازات حبس فاقد وجهه قانونی بوده با رعایت قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی، قاضی باید براساس ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ مجازات را تعیین نماید. عنصر مادی عبارت است از عمل مجرم که در خارج واقع می‌شود (جعفری لنگرودی: ۱۳۸۵، ۱۹۵). در بیشتر موارد، عنصر مادی جرم به صورت عمل یا فعل مثبت بروز می‌نماید اما گاهی اوقات، ترک فعل نیز می‌تواند به عنوان عنصر مادی برخی جرایم در نظر گرفته شود. به همین جهت نیز ماده ۲ ق.م.ا هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم دانسته است. در مورد ترک فعل به عنوان عنصر مادی جرم باید گفت گاهی قانونگذار از جهت حفظ نظم عمومی، وظیفه و تکلیفی برای افراد مقرر کرده است و در صورتی که اشخاص از انجام آن وظایف و تکالیف خودداری کنند برای آنها مجازات تعیین نموده است (شامبیاتی: ۱۳۹۳، ج ۱، ۳۵۳).

در مورد جرم ترک انفاق نیز همچنان که از عنوان آن مشخص است، عنصر مادی آن، ترک فعل است در برابر تکلیف و وظیفه‌ای که منفق و شارع برای فرد در نظر گرفته است. قانون‌گذار ایران جهت حفظ کیان خانواده و رفع ضروریات زندگی اقارب، وجود نفقه را برعهده افراد قرار داده است. ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی در عقد دائم، نفقه زن را برعهده شوهر دانسته و در مورد نفقه اقارب نیز، اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی را ملزم به انفاق به یکدیگر کرده است. با تصویب ماده ۶۴۲ ق.م.ا نیز عدم انجام این وظیفه قانونی، جرم شناخته شده و به صراحت امتناع منفق را از پرداخت نفقه جرم دانسته است؛ بنابراین عنصر مادی جرم ترک انفاق عبارت است از امتناع و استنکاف از پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقه در صورت قدرت فرد بر انفاق. به‌طور کلی برای تحقق عنصر روانی، وجود دو عامل ضروری است یکی اراده ارتکاب و دیگری قصد مجرمانه (صانعی: ۱۳۸۵، ج ۱، ۳۰۵).

اراده ارتکاب یعنی اینکه شخصی بخواهد این عمل را انجام دهد پس هرگاه به اجبار، اکراه و تهدید، به گونه‌ای که اراده وی در اثر آن اعمال به کلی سلب گردیده و مسلوب‌الاختیار شده، عملی را انجام دهد، فاقد اراده بوده و در نتیجه عنصر معنوی تحقق نیافته است. از طرفی هرگاه اراده انجام فعل را داشته اما قصد انجام عمل مجرمانه را نداشته باشد، عنصر معنوی بزه کامل نبوده است و از این جهت نمی‌توان وی را مقصر و مجرم دانست. در خصوص عنصر روانی ترک انفاق، از آنجا که عنصر مادی آن، ترک فعل است باید این ترک فعل به صورت ارادی ارتکاب یافته باشد، بنابراین هرگاه زوج در مجس بوده یا به هر علتی از جمله فورس ماژور نتوانسته است به زوجه دسترسی یابد تا نسبت به تأدیه نفقه وی اقدام نماید، اراده‌ای در ارتکاب جرم نداشته است. پس صرف عمل مادی ترک انفاق زوجه و اقارب جرم نیست؛ بلکه تقصیر تارک انفاق در پرداخت نفقه را نیز باید احراز نمود. از طرفی منفق در عدم تأدیه نفقه باید دارای قصد مجرمانه بوده

باشد. با این توضیح که قصور او در پرداخت نفقه محروم کردن شخص واجب‌النفقه از حق قانونی و شرعی خود باشد. بنابراین هرگاه زوج به این علت که از زوجه طلبکار است از پرداخت نفقه وی خودداری نماید تا هنگامی که نسبت به طلب زوج و بدهی وی از بابت نفقه به زوجه تهاتر ایجاد نشود نمی‌توان وی را مجرم و مستحق مجازات دانست. البته در قانون از تهاتر بین طلب زوج و نفقه زوجی صحبتی به میان نیامده است اما با استناد به مواد عام مربوط به تهاتر دو دین و همچنین به استناد فتوای معتبر و منابع معتبر اسلامی (طلاق اصل ۱۶۷ قانون اساسی) می‌توان چنین فردی را مبرا از مسئولیت دانست (نجفی: ۱۴۲۲، ۲۳۴).

همچنین هرگاه زوج به تصور اینکه زوجه ناشزه گردیده و یا اینکه عقله زوجیت از بین رفته است از پرداخت نفقه خودداری نماید، فاقد قصد مجرمانه بوده و جرمی محقق نگردیده است. علاوه بر سه عنصر فوق، شرایط دیگری نیز برای تحقق جرم ترک انفاق ضروری است، از جمله اینکه ملزم به انفاق باید از استطاعت مالی برخوردار بوده و معسر از پرداخت نفقه نباشد، همچنین در مورد ترک انفاق در برابر زوجه هرگاه زوج، ادعای عدم تمکین زوجه را کند ابتدا باید مسأله تمکین رسیدگی و در صورت رد ادعای زوج و عدم نشوز زوجه، حکم محکومیت زوج صادر شود. نکته دیگر اینکه درخواست پرداخت نفقه گذشته، توسط زوجه نباید موجب شناختن زوج گردد، چرا که نفقه معوقه به صورت دین بر ذمه زوج مستقر گردیده و از بابت دین مستقر بر ذمه، نمی‌توان او را مجازات کرد (گلدوزیان: ۱۳۹۳، ۵۹۲).

### گفتار دوم: جرایم ارتكابی از سوی زن

جرایم ارتكابی از سوی زن در ازدواج سفید عبارت است از:

#### بند اول: ترك تكلیف حضانت از طفل

در هر جامعه خانواده اساسی‌ترین رکن آن محسوب می‌شود و حفظ این بنیان حیاتی بر مبنای قوانین، اصول، عرف و اخلاق، مسئله‌ای است که باید بسیار به آن توجه کرد. وجود روابط قانونی و در چارچوب معین در خانواده‌ها، از مهمترین شاخصه‌های این مهم به شمار می‌رود. در این میان کودکان اهمیت به سزایی دارند؛ چرا که کودکان امروز پدر و مادران فردا هستند. در واقع آینده هر جامعه‌ای را کودکان آن رقم می‌زنند. در جامعه ما، با توجه به اینکه وجود روابط آزاد بین زن و مرد، امری است خلاف اخلاق و قانون و در نتیجه کودکان ناشی از این روابط نیز از نظر جامعه مطرود هستند. نقش خانواده در سرپرستی و پرورش کودکان غیرقابل انکار است اما گاهی بنیان خانواده به سستی می‌گراید و بنای آن درهم می‌ریزد و خانواده کارآمدی خود را از دست می‌دهد، یکی از مباحث مهم در این زمینه حضانت طفل می‌باشد. کودک برای رشد کامل و متعادل شخصیتی خود می‌بایست در محیط خانواده و در فضایی مملو از خوشبختی، محبت و تفاهم بزرگ شود. نهاد خانواده بیش از آن که در مقدمه کنوانسیون حقوق کودک برجسته شده باشد در اسلام و قوانین کشورمان مورد توجه قرار گرفته و به عنوان شایسته‌ترین و مهم‌ترین بستر رشد کودک معرفی شده است. اما گاهی کودک به دلایلی از جمله جدایی والدین، الزاماً از این محیط جدا شده و لذا حق نگهداری از کودک برای یک طرف و یا طرفین و ملاقات والدین با فرزندان تابع قوانین و مقررات می‌شود. حفظ و مراقبت کردن، پرورش دادن و تنظیم روابط طفل با دنیای خارج که در قوانین با عنوان «حضانت» از آن یاد می‌شود، در موادی از قانون مدنی و همین‌طور فصل پنجم قانون جدید حمایت خانواده تصریح شده است. حضانت را نباید با ولایت یا حتی تربیت یکی دانست؛ ولایت به معنای قدرت و اختیاری است که قانون برای اداره امور کودک به پدر و جد پدری می‌دهد تا براساس مصلحت کودک عمل کنند. این حق پس از مرگ با وصیت قابل انتقال است. تربیت نیز بیشتر امری معنوی است. در

حالی که حضانت عموماً ناظر بر نگهداری بر جسم کودک است، هر چند که حضانت به طور عام شامل تربیت نیز می‌شود (اسدی و هاشمی: ۱۳۹۱، ۵۴).

نگهداری اطفال یا همان حضانت در امور تربیتی و آموزشی هم حق و هم تکلیف ابویین است که طبق قوانین، حضانت فرزند تا رسیدن طفل به سن بلوغ (در دختران ۹ سالگی و در پسران ۱۵ سالگی) به عهده والدین است. یعنی برای حضانت و نگهداری طفلی که ابویین او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است. همچنین بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می‌باشد و قانون جز در موارد استثنایی نمی‌تواند آنان را از این حق محروم کند. در مواردی پدر و مادر می‌توانند به نفع یکدیگر از حق حضانت خود صرف نظر کنند. بنابراین قراردادهای بین والدین در مورد حق حضانت در صورتی که برخلاف مصلحت طفل نباشد، معتبر و لازم‌الاجرا است (اسدی و هاشمی: ۱۳۹۱، ۵۵).

به عقیده نگارنده، در پدیده ازدواج سفید ممکن است که بعد از بارداری‌های ناخواسته و پیش آمدن کدورت و اختلا، مرد و زن قصد ترک و جدایی این رابطه را داشته باشند. در این میان مسئله اصلی حضانت طفل می‌باشد. مادر بعد از جدایی و به لحاظ عدم قبول مسئولیت کودک یا به لحاظ عرف حاکم بر جامعه و ترس از ننگ حامله بودن ممکن است از قبول حضانت طفل امتناع نماید.

#### **بند دوم: ادعای زوجیت برخلاف واقع و مطالبه حقوق مالی ناشی از ازدواج**

از آنجا که در ازدواج سفید علقه زوجیت بین زن و مرد وجود ندارد لذا وقتی چنین زنی که برخلاف واقع ادعای زوجیت و مطالبه حقوق مالی ناشی از ازدواج کرده و همچنین کسی که به عنوان قائم مقام قانونی زن برای مطالبه حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج با علم به عدم زوجیت اقامه دعوی نماید جرم محسوب و به مجازات حبس از هشت روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از صد تا هزار ریال و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد (سلیمی و سلطانی: ۱۳۹۲، ۶۲).

#### **۴- نتیجه گیری**

پدیده «هم‌باشی» یا همان ازدواج سفید که در غرب به جای ازدواج رسمی به آن رو آورده می‌شود و یکی از عوامل انحطاط اخلاقی غرب به شمار می‌رود. در حقیقت همان زندگی زن و مرد در کنار یکدیگر به مدت موقت و نامعلومی است که تقریباً هیچ قید و بند اخلاقی و شرعی طرفین را طی این رابطه محدود نمی‌کند. در حقیقت آنها برای فرار از تشکیل خانواده از راه صحیح به علت مسئولیت‌هایی که با خود همراه دارد و همچنین شهوت‌رانی ضابطه‌مند، نوعی زندگی بدون هیچ قرارداد شرعی و قانونی را برمی‌گزینند تا برای مدتی نامعلوم کنار یکدیگر سر کنند. هر وقت هم که با هر دلیلی به نتیجه نرسند، مثلاً هر یک از طرفین فرد دیگری را انتخاب کند یا از دیگری خسته شود به رابطه خاتمه می‌دهند. ازدواج سفید، زندگی زناشویی بدون ازدواج رسمی یا زندگی مشترک بدون ازدواج که از دید برخی دیگر ازدواج سفید نام گرفته هر چند در دنیا پدیده جدیدی نیست، اما دایران مسئله‌ای جدید و یک شوک فرهنگی است. این نوع ازدواج در نهادهای دولتی مربوطه همچون دفاتر رسمی ازدواج و یا سازمان‌های دینی ثبت نمی‌شود. در این نوع ازدواج زن و مرد با هم زندگی می‌کنند و کارهای مربوط به خانواده بر دوش هر دو نفر است ولی از نظر قانون زن و شوهر رسمی محسوب نمی‌شوند. براساس تعریف، زندگی زناشویی بدون ازدواج موقعی که هر دو فرد مجرد از دو جنس متفاوت قبل از ازدواج با هم زندگی می‌کنند اتفاق می‌افتد. این برای افرادی که به تعهد اجتماعی و شخصی که

ازدواج لازم دارد تمایل ندارند، یک مسیر میان بر است؛ حداقل مدتی. اندیشمندان اجتماعی برای آن نوع زندگی که در ایران عمدتاً در بین دانشجویان رواج دارد دلایلی مختلفی را برشمرده‌اند:

۱. مشکلات مالی

۲. محک زدن رابطه

۳. آشنایی بیشتر

۴. عدم اعتقاد به ازدواج از مهمترین این دلایل‌اند.

مسئله مهم در این میان و جرایم ارتكابی بارداری‌های ناخواسته، فرزندان نامشروع، سقط جنین‌های متعدد و غیرقانونی و .. است که همگی به شدت تهدیدکننده سلامت هر جامعه‌ایست. اما در صحت یا بطلان ازدواج سفید با توجه به دلایل فقهی و حقوقی باید قائل به بطلان این ازدواج بود. امام خمینی (ره) و شهید ثانی و جوب لفظ ایجاب و قبول را در عقد نکاح لازم دانسته‌اند و نیز با دقت در آیه ۲۱ سوره نساء می‌توان وجوب صیغه در نکاح را تأیید کرد. ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی وقوع عقد نکاح را منوط به ایجاب و قبول صریح دانسته است. پس به استناد ماده مذکور عقد نکاح با اعلام ایجاب و قبول محقق می‌شود. با توجه به دلایل فقهی و حقوقی مطرح شده که تشریح آن در پژوهش از نظر گذشت، می‌توان بطلان ازدواج سفید را نتیجه گرفت. در این میان برخی ازدواج سفید را معادل نکاح معاطاتی می‌دانند. نکاح معاطاتی در فقه و حقوق به معانی مختلفی آمده است. یکی از معانی رایج آن عدم اجرای صیغه ایجاب و قبول است. نکاح معاطاتی قصد انشاء زوجیت شرعی است، با ابزار و رفتارهایی که عرف متعارف و معقول آنها را صریح در اراده این زوجیت می‌دانند. عرف همواره به عنوان یکی از طرق و ابزارهای شناخت احکام مورد توجه بوده و به آن استناد شده است، چنان که معاطات، سیره مستمر عقلانی از زمان شکل‌گیری تمدن‌ها و احتیاج به مبادلات بوده است، در مورد نکاح نیز ممکن است عرف در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت افعالی را مخصوص عقد نکاح قرار دهد که به معنای تغییر ماهیت نکاح نیست. دستاورد مهم تحقیق این است که ادله بطلان و از آن جمله دلیل اجماع بر لزوم لفظ برای نکاح، به نحو تعبدی نیست بلکه بیشتر فقها در جستجوی راهی برای اعلام صریح قصد باطنی هستند و به همین دلیل به لفظ روی آورده‌اند و اگر آنان غیر لفظ را معتبر دانسته‌اند، به جهت صریح نبوده غیرلفظ در انشاء و از باب احتیاط برای جلوگیری از رواج و اشاعه فساد جنسی است که خود در مقابل اصل صحت و حمل برای مسلمان بر صحت و رواج ازدواج است. بنابراین دلیلی وجود ندارد که اگر کسی بودن رعایت احتیاط، عقد نکاح را با فعل صریح محقق نموده باطل باشد بلکه نکاح معاطاتی طبق قاعده، صحیح و مشروع است و آثار نکاح صحیح بر آن مترتب می‌شود و در هر زمان و مکانی که فعل صریح در انشاء عقد نکاح موجود باشد، ادله نکاح صحیح شامل نکاح معاطاتی خواهد بود و چنین چیزی غیرممکن نیست. با توجه به ادله که بررسی گردید در صورتی که بین ازدواج مرد و زنی از نوع نکاح معاطاتی باشد، ارتباط آنها مشروع خواهد بود و حد زنا و رابطه نامشروع ساقط می‌شود.

## ۵- پیشنهادات

۱. برگزاری کارگاه‌های آموزش حقوق در زمینه ازدواج، مشاوره خانواده برای دختران و پسرانی که در آستانه ازدواج قرار دارند، زیرا زنانی که از حقوق خود در فرآیند همسرگزینی و تشکیل خانواده آگاهی داشته باشند با روشن‌بینی و استحکام بیشتری پا به عرصه زندگی جدید می‌گذارند. البته آموزش حقوق باید بر پایه اخلاق و دینداری ارائه شود تا دستاویزی برای افزایش تنش‌ها خانوادگی و اختلالات عاطفی نشود.

۲. ارتقاء آگاهی‌های خانواده در خصوص حقوق دختران و نیز تبعات ناگوار ناشی از چنین پدیده‌ای در پیشگیری از ازدواج‌های سفید مؤثر است و حکومت موظف است با بدعت‌ها و سنت‌هایی که مغایر دین، عقل و علم است (نظیر آداب و رسوم خرافی) مبارزه نماید.

۳. ضروری است از طریق آموزش و دانش‌افزایی والدین نسبت به روحیات جوانان، استقلال‌طلبی، احترام به انتخاب حق همسرگزینی دختران، از وقوع چنین شرایطی پیشگیری نمود. همچنین می‌توان از طریق رسانه‌های جمعی و همایش‌های علمی و کارگاه‌های آموزشی به خانواده‌ها آموخت که برای استحکام و دوام یک ازدواج کامیاب، شناخت و صداقت شروط اجتناب‌ناپذیر هستند و اگر این دو شرط با دقت مورد عمل قرار گیرد می‌توان از فریبکاری‌ها و حوادث تلخ و دردناک و جبران‌ناپذیر پیشگیری نمود.

۴. آماده کردن شرایط آسان برای زندگی و ازدواج جوانان

۵. اشتغال‌زایی و منبع کسب درآمد ایجاد کارگاه‌های برای آموزشی و حرفه برای جوانان

۶. ساختن فیلم، نوشتن کتاب‌ها، برگزاری کلاس‌های آموزشی برای اطلاع‌یابی و دور شدن از ازدواج‌های نامشروع و الگوسازی زندگی ائمه و امامان برای تمام انسان‌ها

## ۶- منافع

### الف. کتب

امامی، سیدحسن (۱۳۸۹)، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامیه، تهران.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامیه، تهران.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵)، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، تهران.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش، تهران

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، تأثیر اراده در حقوق مدنی، شرکت سهامی انتشار، تهران.

حجتی اشرفی، غلامرضا (۱۳۸۴)، مجموعه قوانین اساسی - مدنی، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش، تهران.

خزانی، منوچهر (۱۳۷۳)، فرآیند کیفی (مجموعه مقالات)، کتابخانه گنج دانش، تهران.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

دانش، تاج زمانی (۱۳۸۳)، اطفال و جوانان بزهکار، انتشارات رسا، تهران.

سعیدی، علی و شکیبیا، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، روان‌شناسی ارتباطات اینترنتی، نشر اندیشه، تهران.

سنگلچی، محمد (۱۳۷۴)، ضوابط و قواعد معاملات، مؤسسه حیدری، تهران.

شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۳)، حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، نشر ققنوس، تهران.

شایگان، علی (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، انتشارات طه، تهران.

صانعی، پرویز (۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، گنج دانش، تهران.

زراعت، عباس (۱۳۸۹)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات ققنوس، تهران.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، شرح قانونی مجازات اسلامی، انتشارات ققنوس، تهران.

صاحبی، مهدی (۱۳۷۶)، تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی، انتشارات ققنوس، تهران.

صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۴)، رساله توضیح‌المسائل نوین، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم.

صفایی، سیدحسین (۱۳۹۳)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، انتشارات میزان، تهران.

\_\_\_\_\_ و امامی، اسدالله (۱۳۹۱)، حقوق خانواده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

عمید، حسن (۱۳۷۷)، فرهنگ عمید، جلد اول و دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات میزان، تهران.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، قانون مدنی در نظم کنونی، انتشارات میزان، تهران.

گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳)، محشای قانون مجازات اسلامی، نشر مجد، تهران.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکزی، تهران.

مجموعه آرای فقهی در امور حقوقی (۱۳۸۲)، معاونت آموزش حقوقی قوه قضاییه، تهران.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۵)، حقوق قراردادها در فقه امامیه، نشر سمت، تهران.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، نشر علوم اسلامی، تهران.

مدیر شانچی، کاظم (۱۳۸۴)، آیات الاحکام، انتشارات سمت، تهران.

مهرپور، حسین (۱۳۸۹)، مباحثی از حقوق زن، انتشارات اطلاعات، تهران.

مصلحتی، حسین (۱۳۸۴)، ازدواج و ازدواج‌های درمانی، نشر البرز، تهران.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، تهران.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲)، سلسله مباحث خارج فقه، جلد اول، مدرسه‌الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم.

معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه (۱۳۸۲)، مجموعه آرای فقهی در امور حقوقی، نکاح، جلد اول، نشر قضا، تهران.

معین، محمد (۱۳۸۳)، فرهنگ فارسی معین، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۳)، حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، نشر میزان، تهران.

ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۰)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.

## ب. مقالات و پایان‌نامه‌ها

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۱)، پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران، مجله جامعه پژوهشی فرهنگی، ش ۱.

اراکی، محسن (۱۳۸۶)، زندگی مشترک زن و مرد بدون عقد ازدواج، فقه اهل‌البیت، ش ۵۱.

اسدی، محمد و هاشمی، مجید (۱۳۹۱)، بررسی پدیده طلاق و چگونگی حضانت فرزندان بعد از مفارقت، فصلنامه مطالعات پلیس زن، ش ۱۶.

برات دستجردی، نگین و عرفان، آرزو (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر در گرایش به ازدواج اینترنتی در بین دانشجویان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲.

حکیمی‌ها، سعید (۱۳۸۹)، جرم صدور گواهی خلاف واقع؛ ابعاد قانونی و حقوقی، مجله پزشکی قانونی، ش ۲۰.

دادمرزی، سیدمهدی و محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۱)، بررسی مقایسه‌ای ماهیت نکاح در فقه و حقوق موضوعه، مجله پژوهش‌های حقوقی تطبیقی، ش ۱۶.

درودیان، حسنعلی (۱۳۸۱)، تقریرات درس حقوق مدنی ۳ (قواعد عمومی قراردادها)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران.

- رضایی، حسن (۱۳۹۲)، ازدواج سفید یا هم‌باشی سیاه، مجله پایش، ش ۶.
- سلیمی، مهدی، سلطانی، عباسعلی (۱۳۹۲)، نکاح معاطاتی و تفاوت آن با زنا، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ق ۲.
- سیدی بنایی، سیدباقر (۱۳۹۰)، بررسی نکاح معاطاتی از نظر فقه و حقوق موضوعه، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ش ۲۳.
- هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۸۷)، نکاح معاطاتی از منظر فقه، مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۰.

### ج. قوانین

۱. قانون مجازات اسلامی
۲. قانون حمایت خانواده
۳. قانون ثبت احوال
۴. قانون روابط مؤجر و مستأجر
۵. قانون مدنی

### منابع عربی

قرآن کریم.

- ابن حمزه، محمد بن علی (۱۴۰۱)، الوسيله الى نيل الفضيله، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، قم.
- اراکي، محمدعلی (۱۴۱۹)، کتاب النکاح، نورنگار، قم.
- اصفهانى، محمدحسین (۱۳۸۳)، حاشیه المکاسب، نشر حوزه علمیه قم، ق.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۷)، کتاب النکاح، جلد سوم، کنگره بزرگداشت شیخ انصاری، قم.
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۵)، الحدائق الناظره، جلد سی و سوم، مؤسسه باقری، قم.
- تهانوی، محد بن علی (۱۱۵۸ هـ)، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، جلد اول، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت.
- جزایری، عبدالرحمن (۱۴۱۶)، الفقه علی المذهب الاربعه، جلد دوم، دارالترتیب العربی، بیروت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۰)، وسایل الشیعه، جلد پنجم و نهم، مؤسسه للمطبوعات، بیروت.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰)، شرح لعمه، جلد پنجم، مؤسسه معارف اسلامی، لبنان.
- شیخ طوسی، ابی جعفر (۱۴۰۷)، تذکره الفقهاء، جلد اول، چاپ افست، تهران.
- خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۶۸)، کتاب البیع، جلد دوم، مؤسسه اسماعیلیان، تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹)، تحریر الوسيله، مؤسسه دارالعلم، قم.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳)، منهاج الصالحین، جلد دوم و سوم، مدینه العلم، قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، العروه الوثقی، جلد سوم، مؤسسه احیاء الآثار خویی، قم.
- راغب اصفهانى، محمدحسین (۱۳۸۳)، مفردات فی الغریب القرآن، دفتر نشر کتاب، قم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۹)، المیزان فی التفسیر القرآن، جلد دوم و یازدهم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷)، تهذیب الأحکام، جلد چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۴۱۲)، تفضیل الشریعه فی شرح تحریر الوسيله، مرکز فقه الاثمه اطهار، قم.
- کیلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، کافی، جلد پنجم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

- علامه حلی، حسن بن یوسف (١٤١٠)، قواعد الاحکام، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
- فتح الله، احمد (١٤١٥)، معجم الفاظ الفقه الجعفری، بی جا.
- قدیری، محمدحسن (١٣٧٧)، کتاب البیع، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران.
- محقق حلی (١٤٠٩)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، اسماعیلیان، قم.
- محقق کرکی، علی بن حسین (١٤١٠)، جامع لمقاصد، جلد هفتم، آل البيت، قم.
- مراغی حسینی، میرفتاح (١٤١٧)، عنواين الفقيه، جلد دوم، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
- مصطفوی، حسن (١٤٠٢)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الكتاب للترجمه والنشر، تهران.
- موسوی بجنوردی، سیدحسن (١٤١٩)، القواعد الفقيه، جلد سوم، نشر الهادی، قم.
- نایینی، میرزا محمدحسین غروی (١٤١١)، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، المكتبه المحمديه، قم.
- نجفی، محمدحسین (١٤٢٢)، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، دارالحیا التراث العربی، بیروت.
- نراقی، احمد (١٤١٥)، الموسوعه الفقيهه، جلد شانزدهم، وزارت اوقاف بیروت، بیروت.